یادگارهای سبز مشهدی علی‌بابا

موضوع: تفرجگاه‌های سبز اهالی

ویژگی: هنوز درختان قدیمی خیابان ناروندی و قلمستان نفس می‌کشند

اهالی محله صفائیه لازم نبود برای گردش و تفریح به مکان‌های دوری بروند چون تا چشم کار می‌کرد محله را باغ‌ها و زمین‌های سبزی‌کاری احاطه کرده بود. میدان صفائیه و باغ‌های اطراف آن از یک طرف و چشمه‌علی و نهرهای روان این سو و آن سوی محله هم از طرف دیگر، تفرجگاه‌های بسیاری را برای اهالی به‌وجود آورده بود. افرادی که هوس شنا و آبتنی داشتند به سراغ چشمه‌علی یا چهارجوی می‌رفتند و طبیعت‌دوستان هم سر از باغ‌ها یا میدان صفائیه، خیابان ناروندی یا قلمستان درمی‌آوردند.

خیابان ناروندی و قلمستان از جمله تفرجگاه‌های اهالی صفائیه و اغلب تهرانی‌ها بود. به واسطه درختان تنومند این محدوده و سایه‌سار درختان توت و زبان گنجشک، اهالی در روزهای گرم تابستان به این خیابان‌ها پناه می‌آوردند. به اعتقاد اهالی، «مشهدی علی‌بابا» اغلب درختان این محدوده را کاشته و به نوعی پدر این درختان است. اهالی او را «مشدی علی‌بابا» صدا می‌زدند. محمدعلی عالمی، از ساکنان قدیمی محله صفائیه، درباره تفرجگاه اهالی صفائیه می‌گوید: «در گذشته در باغ صفائیه تا چشم کار می‌کرد درخت بود و به مرور به سبزی‌کاری تبدیل شد. باغ مش‌جعفر و باغ ممدحسن از زمین‌های سبزی‌کاری این محدوده محسوب می‌شد اما با آغاز تغییر و تحولات در محله کم‌کم این باغ‌ها از بین رفت. «مشدی علی بابا» که در محلهٔ صفائیه زندگی می‌کرد دست به‌کار شد تا اینجا همیشه سبز باقی بماند. او مرد مهربان و دست و دلبازی بود. اهالی قدیم همیشه در خاطرشان او را با بیلی بر دوش و قلمه و نهال‌هایی در دست به یاد می‌آورند. صفا و سرسبزی درختان صفائیه، مدیون اوست. مشدی علی‌بابا در آن دوران بیش از هزار قلمه درخت در این محله کاشت. هر چند برخی از این درخت‌ها از بین رفتند، اما هنوز درختان تنومند، کشیده و کهن خیابان ناروندی و قلمستان از یادگارهای مشدی علی‌بابا نفس می‌کشند.»

ترفند روس‌ها برای سرقت اشیای قیمتی

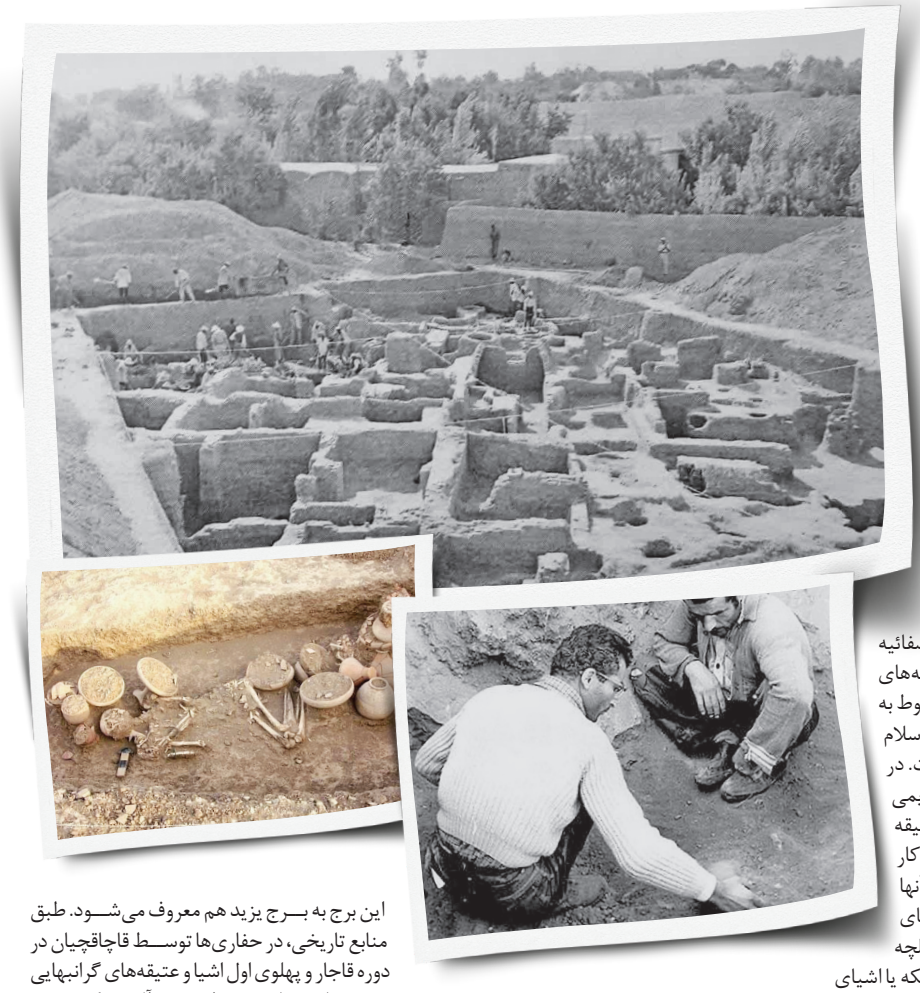

موضوع: تیله کنی برای کشف عتیقه

ویژگی: تپه‌های تاریخی محله صفائیه همیشه مقصد سوداگران گنج بوده است

شهرری به‌دلیل قدمت و بناهای تاریخی مهم پیش از اسلام مقصد همیشگی سوداگران گنج بوده و هست.

سیدمحسن ماجدی این موضوع را به تپه‌های تاریخی شهرری و محله صفائیه گره می‌زند و می‌گوید: «در شهرری تپه‌های باستانی زیادی وجود دارد که برخی مربوط به پیش از تاریخ، بعضی مربوط به پیش از اسلام و برخی هم مربوط به دوره اسلامی است. در این تپه‌ها اشیا و وسایل قیمتی و قدیمی وجود دارد. به همین‌خاطر سارقان عتیقه مدام به جان این تپه‌ها می‌افتند و با این کار تاریخ ری و تهران را نابود می‌کنند. اغلب آنها برای آنکه از خود سر و صدا یا ردی به جای نگذارند، با وسیله‌هایی همچون تیشه و بیلچه اقدام به حفاری می‌کنند به امید آنکه سکه یا اشیای عتیقه‌ای بیابند و یکشبه به ثروت هنگفتی برسند، اما به چه قیمت؟»

این ری‌پژوه ادامه می‌دهد: «برج اینانج یکی از بناهای تاریخی این محدوده است که بارها در دوره‌های مختلف مورد دستبرد سوداگران عتیقه قرار گرفته است. این برج میان مردم محلی در دوره معاصر به «برج یزید» شهرت دارد. گویا قاچاقچیانی که اغلب‌شان روس بوده‌اند با علم به اینکه ایرانیان همواره بر یزید لعنت می‌فرستند و از هر کس بدشان بیاید او را یزید خطاب می‌کنند، با هدف دور کردن اهالی از این محدوده و به قصد حفاری و سرقت آثار باستانی فارغ از مزاحمت مردم، اینجا را یزید می‌نامند و به‌تدریج این برج به برج یزید هم معروف می‌شود. طبق منابع تاریخی، در حفاری‌ها توسط قاچاقچیان در دوره قاجار و پهلوی اول اشیا و عتیقه‌های گرانبهایی همچون پارچه‌هایی مربوط به دوره آل‌بویه کشف و به سرقت برده شد و به گفته مردم محلی، سرقت شمشیر و خنجر هم گزارش شده است.» ماجدی اعتقاد دارد این اشیای تاریخی مثل مهره‌های شطرنج در کنار هم قرار دارند و اگر یکی از آنها از بین برود، سابقه و فرهنگ تاریخی ما از بین می‌رود.

صید ماهی‌های زردرنگ به امید درمان یرقان!

موضوع: ماهی زردآب

ویژگی: اهالی معتقد بودند این ماهی‌ها برای درمان برخی بیماری‌ها مفیدند

بخش قابل‌اعتنایی از رویدادهای اجتماعی ری حول چشمه‌علی رخ داده و اهالی صفائیه خاطراتی خواندنی از همسایگی با این چشمه تاریخی دارند. صید ماهی زردآب در چشمه علی، آن هم به سنتی‌ترین شکل ممکن، از دوره پهلوی اول شروع شد و تا قبل از خشک شدن آب این چشمه تاریخی ادامه داشت. قدیمی‌های صفائیه در این بازه زمانی نسبتا طولانی شاهد عبور و مرور افرادی بودند که به‌عنوان آخرین راهکار برای درمان بیمارانشان در محدوده اطراف چشمه علی رفت‌وآمد می‌کردند. محمدعلی عالمی زیست ماهی‌های زردآب را موجب رفت‌وآمد مبتلایان به بیماری یرقان در صفائیه می‌داند. او در این‌باره می‌گوید: «در سال‌هایی که قالیشویی در چشمه علی رونق داشت، افرادی که در ازای شستن قالی‌های مردم دستمزد می‌گرفتند مشتریان مخصوص دیگری هم داشتند. مشتریان آنها بیمارانی بودند که یرقان یا به قول معروف زردی داشتند و به امید درمان برای خرید ماهی‌های ریز داخل چشمه علی که به ماهی زردآب معروف شده بودند، به صفائیه می‌آمدند. افرادی که کارشان شست‌وشوی قالی بود، لابه‌لای کارشان با لنگ به داخل آب می‌رفتند و در گوشه‌های چشمه‌علی ماهی‌های ریز را صید می‌کردند. مشتری‌ها این ماهی‌ها را داخل تنگ‌های شیشه‌ای می‌ریختند و به امید درمان شدن بیماری‌شان چشمه علی را ترک می‌کردند.» گویا پزشکان سنتی به بیماران مبتلا به زردی توصیه می‌کردند بین ۱۰ تا ۱۵ ماهی زردآب را به‌صورت زنده میل کنند. این روایت وجود داشت که ماهی زردآب بعد از ورود به دستگاه گوارش زردآبی را که توسط کبد دفع نشده بود، می‌بلعید و به این ترتیب بیمار را از رسیدن به مرحله غیرقابل درمان نجات می‌داد.

عالمی می‌گوید: «قیمت هر تنگ ماهی زردآبی بین یک تا ۲ ریال بود که در آن سال‌ها تقریبا مبلغ قابل‌توجهی بود. البته درباره تأثیر خوردن ماهی زردآب در درمان بیماری یرقان روایت‌های ضدونقیضی نقل می‌شد.

بعد از خشک شدن آب چشمه علی، بساط ماهی‌فروش‌ها جمع شد و به اطراف قنات‌های جاده ورامین رفتند که محل زیست ماهی زردآب است.»